

شناخت ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی و اثرات آنها بر روابط

بین فردی نوجوانان

هایده خلیلی آذر*

چکیده

استفاده نوجوانان از اینترنت در سال‌های اخیر، بویژه با هدف گسترش روابط و پیوندهای اجتماعی به شدت افزایش یافته و روابط آنلاین به بخشی جدانشدنی از فرهنگ و زندگی اجتماعی آنان تبدیل شده است. شناخت ماهیت و ویژگی‌های ساختاری شبکه‌های اجتماعی، بررسی اثرات شبکه‌های اجتماعی بر روابط بین فردی نوجوانان، آشنایی با اثرات شبکه‌های اجتماعی بر تنش‌های خانوادگی و شناخت اثرات شبکه‌های اجتماعی بر مهارت‌های تحصیلی نوجوانان از جمله اهداف مهم این مطالعه بوده است. روش این پژوهش اسنادی و مراجعه به پژوهش‌های مختلف بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد:

۱. اینترنت، دنیای نوجوانان و روابط آنان را با همسالان نشان گسترش داده و راه‌های ارتباطی جدیدی را با افرادی که بیرون از اجتماع نزدیک آنها هستند، فراتر از مکان، سن، جنس، نژاد، قوم، زبان و ... فراهم کرده است؛ ۲. از جمله اثرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر خانواده‌های دارای نوجوان، متنوع‌سازی شبکه‌های اجتماعی، به چالش کشیدن سلسله مراتب در خانواده، به چالش کشیدن خودمختاری نوجوانان و شکاف انتظارات است و ۳. برای شناخت ویژگی‌های ساختاری شبکه‌های اجتماعی از هشت عامل: اندازه شبکه، شباهت، تعدد منابع، تعدد رسانه‌ها، مرکزیت، تراکم، قدرت پیوندها و عمل متقابل می‌توان استفاده کرد.

نتیجه آنکه، تمرکز مطالعات آینده باید به طور همزمان بر ویژگی‌های اجتماعی و رسانه‌ها باشد تا مشخص شود کدام گروه‌های اجتماعی از پیوندهای آنلاین بهره بیشتری می‌برند.

کلید واژه‌ها: روابط بین فردی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، نوجوانان، شبکه‌های اجتماعی

مقدمه

دانشمندان علوم اجتماعی از عبارات مختلفی برای توصیف عصر اطلاعات استفاده کرده‌اند: جامعه پسا صنعتی، جامعه اطلاعاتی، جامعه شبکه‌ای، جامعه سایبری و گرچه می‌توان دیدگاه‌های مفهومی مختلف را تأیید کرد، جامعه شبکه‌ای از عصر اطلاعات متمایز است. شبکه اجتماعی یا جامعه شبکه‌ای^۱ به سازمانی اجتماعی اشاره دارد که در آن، افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها انعطاف‌پذیری بیشتری را در گذر از مرزها نشان می‌دهند و افراد آگاهی بیشتری از آرایش شبکه‌ای روابطشان دارند (ون دیک^۲، ۲۰۰۵).

جامعه اطلاعاتی بیانگر تمایل فزاینده به وارد کردن رایانه در امر نگهداری داده‌ها، جریان اطلاعات، سیستم‌های دانش و کانال‌های ارتباطی است. بدیهی است که جامعه شبکه‌ای و عصر ارتباطات رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند. هر دو آنها توصیف‌کننده تغییرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و سازمان اجتماعی ناشی از آن در جامعه هستند که از تولید اطلاعات منتج می‌شود. این به معنای نوعی جابه‌جایی از مشاغل تولید محور به مشاغل خدمات محور، تغییر نمادها و کاهش درصد نیروی کار است که در تولید یک کالای ملموس مشارکت دارند. مهم‌تر از همه اینکه ساختار جامعه با ظهور فردگرایی شبکه‌ای شکل گرفته است که در آن، احتمال برقراری ارتباط در ورای گروه محلی به شدت افزایش می‌یابد.

مفهوم شبکه اجتماعی بر مبنای تغییرات اجتماعی بسیاری قرار دارد که از طریق فناوری ایجاد شده است. یک بعد اصلی این تغییر، ایجاد شرایط جدید فناورانه است که طی آن، فناوری‌های اطلاعاتی (از جمله اینترنت و تلفن‌های همراه) شکل‌گیری اشکال جدیدی از سازمان‌های اجتماعی و تعاملات اجتماعی را بر پایه شبکه‌های الکترونیکی میسر می‌کنند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دلیل تغییرات اجتماعی نیستند اما زیرساخت‌هایی را برای امکان‌پذیر ساختن تغییر به وجود می‌آورند زیرا ارتباطات لازم را برای شکل‌گیری اشکال جدید محصولات، مدیریت سازمان و جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌سازند. یک بعد مهم دیگر شبکه اجتماعی، انتقال فرهنگ

1. network society

2. Van Dijk

به ارتباطات نمادین و به سازمان اطراف سیستم الکترونیکی یکپارچه ارتباطات و سرگرمی است. رسانه‌ها تنوع بیشتر و بیشتری می‌یابند و مخاطبان انتخاب‌های بیشتری پیدا می‌کنند و باعث تکه تکه شدن ابزارهای ارتباط جمعی می‌شوند. سایت‌های خبری برای فرهنگ انسانی، حیاتی هستند و اینترنت رفته رفته به محور فضای نمادین تبدیل می‌شود. نتیجه این تغییرات متنوع آن است که کارکردهای اصلی جامعه در شبکه‌ها قرار دارد. مفهوم شبکه‌ها نیز در ادامه مقاله بررسی خواهد شد. در اینجا لازم است شبکه‌ها را به عنوان شکلی از سازمان اجتماعی با ویژگی‌های خاص در نظر بگیریم. شبکه‌ها انعطاف‌پذیر و سازگار هستند و ارتباطات الکترونیکی ظرفیت غیرمتمرکز کردن و سازگار کردن امور همزمان را با تعدیل هدف و تصمیم‌گیری به آنها می‌دهند. مفهوم فردگرایی شبکه‌ای را بری ولمن^۱ (۲۰۰۱)، بنیان نهاده است. به نظر وی، جامعه از شکلی از سازمان اجتماعی که ما به آن تعلق داشته‌ایم و در آن با گروه‌های کوچک، بهم پیوسته و متجانس در تعامل بوده‌ایم، به شکلی که ما در آن به صورت فردی و با افراد مجزا، مستقل از تعلق آنان به گروه‌های اجتماعی، تعامل داریم، تغییر کرده است. افراد در خانواده به دنیا می‌آیند، در محله زندگی می‌کنند و در شرکت‌ها به کار می‌پردازند. در گذشته تعاملات اجتماعی آنها به این لایه‌های اجتماعی محدود بود و باید در این لایه‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کردند، آشنا می‌شدند و وابستگی‌های نزدیک یا دور اجتماعی پیدا می‌کردند.

امروزه جامعه اطلاعاتی در حال تغییر دادن این نوع سازمان‌ها و تعاملات است به گونه‌ای که شبکه‌ها در ورای فواصل جغرافیایی شکل می‌گیرند، مرزهای گروه‌ها نفوذپذیر است، ارتباطات از شبکه‌ای به شبکه دیگر جابه‌جا می‌شود و سلسله مراتب‌ها یکنواخت‌تر و پیچیده‌تر است. همان‌طور که استفاده از پیام‌های فوری^۲ (IM) و سایت‌های شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد، افراد در جامعه امروز به جای تعلق به یک گروه، شبکه‌های شخصی خودشان را دارند. شبکه‌های پیچیده اجتماعی همواره وجود داشته‌اند اما پیشرفت‌های فناورانه اخیر، ظهور آنها را به عنوان شکل اصلی شبکه اجتماعی ارائه کرده است. همان‌طور که شبکه‌های رایانه‌ای ماشین‌ها را به هم متصل

1. Barry Wellman

2. Instant Messaging

می‌کنند، شبکه‌های اجتماعی نیز افراد را به هم ارتباط می‌دهند. به طور معمول، شبکه‌های رایانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با یکدیگر کار می‌کنند، به طوری که شبکه‌های کامپیوتری افراد را در شبکه‌های اجتماعی به هم وصل می‌کنند (ولمن و همکاران، ۱۹۹۶).

معنای فردگرایی شبکه‌ای این است که روابط بین فردی، هر چه بیشتر بر اساس نقش‌های ویژه افراد قرار دارد. این روابط تخصصی حول علایق مشترک، مشکلات مشترک، همکاری‌های کوتاه مدت و نیاز به اطلاعات شکل می‌گیرد. شبکه‌های تخصصی اجتماعی شامل افراد همفکر است و اینترنت از شکل‌گیری گروه‌ها و روابط اجتماعی بر اساس علایق مشترک و سبک زندگی مشابه حمایت می‌کند. علاوه بر این، افراد از نظر میزان درگیر بودن در شبکه‌های مختلف با هم تفاوت دارند. در برخی از شبکه‌ها مشارکت فعال دارند، در برخی گاه به گاه فعالیت می‌کند و در برخی دیگر تنها عضوی غیرفعال هستند. ظرفیت اینترنت برای حمایت از تولید و مصرف اطلاعات غیرقابل انکار است. از زمان ورود اینترنت به خانه‌ها، در بسیاری از کشورها کاربرد اصلی آن، برقراری ارتباط بوده است. اینترنت ابزارهایی برای ارتباط با تأخیر (از جمله ایمیل و فروم‌ها) و همچنین ارتباط همزمان (از جمله وب سایت‌های شبکه‌های اجتماعی) فراهم می‌کند. از ارتباطات اینترنتی برای تماس با آشنایان، برقرار نگه داشتن ارتباط با همکاران، خانواده و دوستان و شکل دادن به روابط استفاده می‌شود و آنان در محیطی چندرسانه‌ای بزرگ می‌شوند. برای بسیاری از نوجوانان اینترنت منبع اصلی اطلاعات و سرگرمی و همچنین ابزار مهمی برای ارتباط است. از آنجا که نوجوانان در سنین پایین از این فناوری استفاده می‌کنند، تجربه آنها با تجربه گذشتگان‌شان بسیار متفاوت است.

مسائل تحصیلی درباره ارتباط بین جوانان و فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ (ICT) دو جنبه دارد. بسیاری از افراد بر این باورند که اینترنت فرصت‌های جدیدی را برای خلاقیت و یادگیری فعال کودکان فراهم می‌آورد (پرنسکی^۲، ۲۰۰۱). علاوه بر این سیاست‌های اجتماعی بر پرورش مهارت‌هایی چون تسلط بر رایانه تأکید دارد، زیرا این مهارت‌ها برای ورود به بسیاری از مشاغل ضروری هستند. در این رویکرد، که ظهور عصر اطلاعات و سر برآوردن شبکه‌های اجتماعی را تجلیل می‌کند، به رسانه‌های

1. Information and Communication Technology (ICT)

2. Prensky

الکترونیکی به مثابه ابزارهای قدرت نگریسته می‌شود که کودکان را از نابرابری‌های اجتماعی رها می‌سازد. اما در عین حال اینترنت می‌تواند اثراتی منفی بر نوجوانان به جا بگذارد. زیرا دسترسی به ندرت می‌تواند به طور مؤثر تعدیل و تنظیم شود و خطر قرار رفتن در معرض اطلاعات غیردقیق و فریبکارانه جوانان را تهدید می‌کند (لیوینگستون^۱ و هلسپر^۲، ۲۰۰۷). علاوه بر این اینترنت می‌تواند برای زندگی خانوادگی و اجتماعی نیز مضر باشد، زیرا همه وقتی را که افراد به فعالیت‌های رایانه‌ای اختصاص می‌دهند، در واقع به قیمت صرف‌نظر کردن از خانواده، زندگی اجتماعی، تفریح و سرگرمی یا فعالیت‌های ورزشی‌شان است.

با توجه به آنچه گفته شد، بحث بر سر اثرات اجتماعی ICT بویژه در مطالعه زندگی نوجوانان اهمیت بسیار دارد، زیرا نوجوانی دورانی است که تغییرات سریع زیستی، روانی و اجتماعی در آنان رخ می‌دهد. نوجوانان در گروه‌های دوستی خود، در ارتباط نزدیک با دوستان و همکلاسان، انتظارات‌شان را از زندگی و اشتیاق به تحصیل مطرح می‌کنند و دیدگاه‌هایشان را نسبت به زندگی و رفتارهایشان شکل می‌دهند.

دیدگاه‌های فناوری و اجتماعی

ارتباطی که با استفاده از اینترنت شکل می‌گیرد، ارتباط با واسطه رایانه (CMC^۳) نامیده می‌شود. این اصطلاح بر دو ویژگی حایز اهمیت تأکید می‌کند. اولاً، واژه واسطه تفاوت واضحی بین این ارتباط و ارتباط بین فردی قایل می‌شود که طی آن، افراد به طور مستقیم و بدون اینکه از فناوری استفاده کنند، درگیر تعاملات نمادین هستند. ثانیاً، ویژگی‌های رایانه و ابزار فرهنگی که واسطه قرار می‌گیرد، به این مفهوم، افزوده و فرض می‌شود که پیام‌ها و روابط بین فردی را این ابزار امکان‌پذیر می‌سازد و شکل می‌دهد. بنابراین، فرض بر این است که فناوری، امکانات و معانی تعاملات نمادین بین فردی را محدود می‌کند. در همان ابتدای بررسی مقوله اینترنت و اجتماعی شدن، بین دو دیدگاه عمده اختلاف به وجود آمد: جبرگرایی فناورانه و شکل‌گیری اجتماعی فناوری‌ها. این تنش تا حدودی با تنش بین رویکردهای واقعی و مجازی و همچنین رویکردهای تولیدی و انعکاسی، همپوشانی داشت.

1. Livingstone

2. Helsper

3. Computer Mediated Communication (CMC)

به این ترتیب، باید بین مطالعاتی که اینترنت را به عنوان یک فرهنگ در نظر می‌گیرند و مطالعاتی که آن را نوعی ابزار فرهنگی می‌دانند، تمایز قایل شد (هاین^۱، ۲۰۰۵). مطالعه اینترنت به عنوان یک فرهنگ، به معنای در نظر گرفتن آن به صورت یک فضای اجتماعی و کشف روش‌های ارتباط، اجتماعی شدن و هویتی است که در این فضای اجتماعی شکل می‌گیرد و اینکه اینها چگونه از طریق منابع موجود در فضای آنلاین ایجاد می‌شوند. از این دیدگاه، اینترنت به جای یک کانال ارتباطی، به عنوان مکانی برای بودن یا اقامت کردن در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند فضاهای پیچیده اجتماعی را برقرار نگه دارد. اجتماعی شدن آنلاین یک فرد، مستقل و متفاوت با هویت آفلاین او در نظر گرفته می‌شود. در واقع این زندگی به طور مجزا از زندگی واقعی، به صورت یک واقعیت موازی از ارتباطات بین افراد، بررسی می‌شود.

در این دیدگاه، فضای مجازی یک فضای اجتماعی متجانس است که به طور کامل در درون فضای رایانه قرار دارد، جایی که در آن قوانین و راه‌های جدیدی برای بودن می‌تواند شکل بگیرد. افرادی که در یک شبکه آنلاین فعالیت می‌کنند، ممکن است از نظر جغرافیایی بسیار از هم دور باشند و ساعت‌های مختلفی از روز را تجربه کنند، اما همان فضای مجازی و همان قوانین را دارند و تاریخچه مشترکی با هم می‌سازند. بنابراین می‌توانند با ارتباطات آنلاین خود به گونه‌ای برخورد کنند که گویی آن را واقعی می‌دانند. در این دیدگاه ارتباطات آنلاین می‌توانند به خودی خود، به طور کامل، مجزا از زندگی واقعی وجود داشته باشند. افراد نیز می‌توانند از ورای فاصله‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و بر ویژگی پاره پاره بودن ارتباطات آفلاین فایق آیند. افرادی که آنلاین شده‌اند، نه تنها از محدودیت‌های مکانی که از محدودیت‌های شخصیتی و نقش‌های اجتماعی آفلاین خود نیز آزادند. در ارتباطات آنلاین افراد می‌توانند خود واقعی یا درونی‌شان را نشان دهند و از گمنام بودن در اینترنت استفاده کنند تا همان شخصی باشند که می‌خواهند. کسی باشند که برای دیگران توصیف می‌کنند و هویت و شخصیت خود را آزمایش کنند (بارق^۲، ۲۰۰۲).

در این دیدگاه، گمنامی زندگی در صفحه نمایش رایانه، این امکان را برای افراد فراهم می‌کند که زوایای پنهان شخصیت خود را نشان دهند و شخصیتی مجازی

بسازند. فضای مجازی مکانی برای ابراز و تخلیه تعارضات حل نشده، رهایی از مشکلات، و کار بر روی مسائل مختلف شخصیتی است.

تورکل^۱ (۱۹۹۶) این موقعیت را چنین خلاصه می‌کند: «ما می‌توانیم از فضای مجازی برای انعکاس سازنده بر روی واقعیت استفاده کنیم. فضای مجازی امکان بازی هویت را ایجاد می‌کند، اما این یک بازی بسیار جدی است». این رویکرد، اشاراتی به روش‌شناسی دارد. در نظر گرفتن اینترنت به عنوان موضوع مطالعه به معنی بررسی شخصیت‌های مجازی، ارتباطات آنلاین و هنجارهای اجتماعی آنلاین، قوانین و آداب است بدون اینکه حتی در جهت دیگر، یعنی اینکه چگونه هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در دنیای آنلاین منعکس می‌شوند، را در نظر بگیریم. در این صورت، اینترنت به دلیل امکاناتی که برای کاهش محدودیت‌های مادی به کاربران عرضه می‌کند و آنها را قادر می‌سازد با ایجاد شخصیت‌های آنلاین، با آنها بازی کنند، تحسین می‌شود. بدن انسان در جهان آنلاین نامرئی است؛ به گونه‌ای که حتی تا حدودی و یا کاملاً بی‌اهمیت می‌شود. بنابراین، فضای مجازی مفردی برای گریز از نابرابری‌های اجتماعی همچون تبعیض جنسیتی است (همان).

به همین ترتیب، در این دیدگاه، ارتباطات اینترنتی شکل جدیدی از روابط اجتماعی را ایجاد می‌کند که در آن افراد دیگر به دلیل نیاز به دیدار چهره به چهره با دیگران محدود نمی‌شوند و می‌توانند عرصه اجتماعی خود را با ملاقات ذهنی با دیگران، که ممکن است در هر جایی از جهان آنلاین قرار داشته باشند، گسترش دهند. ارتباطات مجازی، دوستانه‌تر و قوی‌تر هستند زیرا بر اساس علاقه‌مندی‌های مشترک اصیل شکل می‌گیرند و نه نزدیکی فیزیکی. دنیای مجازی محدوده آزادی، سیال بودن و تجربه است و از واقعیت‌های مادی دنیای فیزیکی جداست (بارق، ۲۰۰۲).

اگر اینترنت را به عنوان ابزاری فرهنگی بررسی کنیم، با در نظر گرفتن نقش فناوری در زندگی روزمره افراد و کاربرد آن به عنوان ابزاری برای ارتباط در دنیای اجتماعی آفلاین، دیدگاه کاملاً متفاوتی حاصل خواهد شد. پژوهشگرانی که این رویکرد را انتخاب می‌کنند، فضای مجازی را غیراصیل، بازتابی از دنیای واقعی، و شکل گرفته از طریق شرایط اجتماعی زندگی واقعی می‌دانند. هویت‌های جدا شده دنیای مجازی

1. Turkle

سطحی در نظر گرفته می‌شوند و اشکال آنلاین ارتباط، برعکس روابط پایدار و پیچیده انسانی در دنیای آفلاین، زودگذر، انفرادی، و یک بعدی تلقی می‌شوند. تصور می‌شود که کاربران فناوری اطلاعات و ارتباطات چنان در تعاملات مجازی غوطه‌ور هستند که از زندگی اجتماعی و محیط فیزیکی اطراف‌شان و همچنین از مسئولیت‌های دنیای واقعی فاصله می‌گیرند (نیل^۱، ۲۰۰۷).

برخی از مفسران، تصویری از کودکانی ارائه می‌کنند که به طور کامل جذب دنیای مجازی شده‌اند؛ از زندگی واقعی اجتناب می‌کنند و از روابط اجتماعی و خانوادگی فاصله می‌گیرند و از رفتن به فضاهای عمومی خارج از خانه خودداری می‌کنند. این رویکرد به طور طبیعی، منجر به بررسی الگوهای کاربری و فعالیت‌های اینترنتی به عنوان یک شکل انحرافی رفتار اجتماعی و جستجو برای جنبه‌های آسیب‌شناختی آن می‌شود. این پژوهش‌ها مفاهیمی همچون استفاده فراگیر از اینترنت و استفاده سواس‌گونه از آن را برای توصیف درصد کمی از افراد که وقت زیادی را صرف جستجوی اطلاعات و برقراری روابط آنلاین می‌کنند، در بر می‌گیرد.

دیدگاه جبرگرایانه فناوری، اینترنت را به عنوان نیرویی ابتکاری که اثرات عمیقی بر کودکان و نوجوانان به جا می‌گذارد، معرفی می‌کند. فناوری الگوهای جدیدی از ابراز خود، ارتباط و انگیزش را به وجود می‌آورد. عبارات متنوعی برای توصیف این دیدگاه به کار رفته است که از آن جمله می‌توان به «نسل شبکه»، «نسل هزاره»، و «اهالی دیجیتال» اشاره کرد (پرنسکی، ۲۰۰۱). این برچسب‌ها گروه بزرگی از نوجوانان را که در عصر اینترنت رشد کرده‌اند و از کودکی در معرض یک محیط رسانه‌ای غنی قرار داشته‌اند توصیف می‌کند. این نوجوانان با غوطه‌ور شدن در این فناوری‌ها به راحتی از رایانه استفاده می‌کنند، به بازی‌های آنلاین می‌پردازند و پیوسته با دوستان‌شان از طریق ابزارهای الکترونیکی در ارتباط هستند.

نسل شبکه یا اهالی دیجیتال، نوجوانانی هستند که به دلیل بزرگ شدن با اینترنت و کاربردهای آن، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوتی نسبت به پیشینیان خود دارند (پرنسکی، ۲۰۰۱). نسل شبکه به عنوان افرادی خوش‌بین و علاقه‌مند به فعالیت گروهی که استعداد زیادی در فناوری دارند، شناخته می‌شوند. غوطه‌ور شدن در این فرهنگ

غنی فناوری، مهارت‌ها و علایق نوجوانان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق این دیدگاه، نوجوانان به گونه متفاوتی فکر می‌کنند و اطلاعات را مورد پردازش قرار می‌دهند؛ به طور فعال دست به تجربه می‌زنند و با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. آنها در کسب مهارت‌های لازم برای تولید نمایش‌های چندرسانه‌ای مشتاق‌اند و می‌خواهند تولیدکننده چندرسانه باشند، نه صرفاً مصرف‌کننده آن (همان). به این ترتیب، اینترنت نسلی از نوجوانان را پرورش داده است که دانش و مهارت‌های پیچیده‌ای در زمینه فناوری اطلاعات دارند، این مهارت‌ها نیز ارزش‌هایی را عرضه می‌کند که یادگیری از طریق تجربه و ایجاد نوعی فرهنگ در فضای دیجیتال را حمایت می‌کند و ترجیحات اجتماعی خاص خود را دارد.

جبرگرایی فناورانه، فناوری را به صورت نیرویی مستقل می‌بیند که با تغییرات اجتماعی همراه است (بیمبر^۱، ۲۰۰۰). فناوری به خودی خود یک اثر علی بر فعالیت‌های اجتماعی می‌گذارد و تغییرات فناورانه، تغییراتی را به سازمان‌های اجتماعی و فرهنگ آنها، مستقل از مطلوب یا نامطلوب بودن این تغییر از نظر اجتماعی، تحمیل می‌کند.

تغییرات فناورانه یک فرایند هستند و جهت خاصی ندارند. درک جایگاه اینترنت در زندگی نوجوانان مستلزم اجتناب از داشتن یک دیدگاه فناورانه صرف و درک جایگاه اجتماعی فناوری است (ساسن^۲، ۲۰۰۲).

اینترنت می‌تواند شکل دهنده به ویژگی‌های فرهنگی جدید زندگی اجتماعی جوانان باشد، اما این رفتارها همچنین می‌توانند شرایط قدیمی‌تر را بازتولید کنند. یک رویکرد صرفاً فناورانه، شرایط مادی و فرهنگی را که این فناوری‌ها در آن عمل می‌کنند، نادیده می‌گیرد. فضاهای دیجیتال مانند وب سایت یک شبکه اجتماعی، وبلاگ یا سایت به اشتراک‌گذاری کلیپ و عکس، در مالکیت شرکت‌های تجاری هستند که نوجوانان را هدف گرفته‌اند و سعی دارند الگوهای مصرف آنها را شکل دهند. در همین زمان، نوجوانان با استفاده از این فضاها توانمند می‌شوند و نقشی مهم، مانند تولید یا تأمین محتویات اینترنت را در دست می‌گیرند و با خلاقیت خود، مخاطبان جهانی و گسترده پیدا می‌کنند.

یک رویکرد دقیق‌تر این است که با اینترنت نه به صورت آنچه دنیای جدیدی خلق کرده است، بلکه به صورت بازتابی از شرایط اجتماعی روبه‌رو شویم. اینترنت فضایی

1. Bimber

2. Sassen

برای فعالیت است، اما کارکرد آن محدود به افزودن ابزارهای موجود (چهره به چهره، تلفن همراه و تلفن) و در برخی موارد، جایگزین آنهاست (برمن^۱ و مودی^۲، ۲۰۰۴). ارزیابی‌های منطقی، مانند تعامل زمان، مکان و هزینه، در قلب تصمیمات به کار بردن اینترنت به جای کانال‌های دیگر قرار دارد. ویژگی‌های موجود روابط در تعیین اینکه از کدام کانال و در چه زمانی استفاده شود، از ویژگی‌های مفید و اساسی است. پیوندهای قوی منجر به استفاده از تمامی کانال‌ها می‌شود و پیوندهای ضعیف تنها استفاده از برخی را در پی دارد. در این دیدگاه، تأکید بر کنش‌گر است: انضمام اینترنت در روابط موجود، بازتابنده انتخاب‌های منطقی کنش‌گر در برقرارسازی پیوندهای اجتماعی است. این دو دیدگاه در پاسخ به این مسئله که آیا توسعه جهان آنلاین رخدادی مثبت است یا منفی، با یکدیگر تفاوت دارند اما در این موضوع مشترک هستند که دنیای واقعی و دنیای مجازی را نه تنها متفاوت که مجزا می‌دانند. این درک از رابطه بین دنیای آنلاین و آفلاین، مورد نقد روزافزون بوده است. برای مثال، توانایی دسترسی به فضاهای آنلاین مستلزم وجود منابع آفلاین است (دست‌کم یک رایانه و برقی برای روشن کردن آن) علاوه بر این، دسترسی فیزیکی یا مادی به دانش دیجیتال و رایانه‌ای به مهارت‌های اطلاعاتی و انگیزشی نیاز دارد (دروری^۳، ۲۰۰۶).

در این مقاله سعی شده است چگونگی ارتباط دو دنیای آنلاین و آفلاین با یکدیگر، با تمرکز بر نوجوانان، به عنوان گروهی که بیشتر از دیگران با اینترنت سروکار دارند، بررسی شود تا نشان داده شود که فضاهای آنلاین چگونه در زندگی روزمره نوجوانان استفاده و تفسیر می‌شوند؛ همچنین اینترنت به عنوان محیطی برای ارتباطات اجتماعی تا چه حد درگیری اجتماعی افراد را در روابط شخصی تحت تأثیر قرار می‌دهد یا دچار تغییر می‌کند؟

نوجوانی و پیوندهای اجتماعی

جذب شدن نوجوانان به دوستی، شکل‌گیری و کیفیت آن، توجه بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود معطوف کرده است. نوجوانی دورانی است که با تغییرات رشدی سریع شکل می‌گیرد. همچنان که کودکان وارد سال‌های نوجوانی می‌شوند، ارتباط

1. Beraman

2. Moody

3. Drori

کمتری با والدینشان برقرار می‌کنند، در حالی که روابطه با دوستانشان افزایش و اهمیت بیشتری می‌یابد. دوستان محرم مسائل عاطفی همدیگر هستند، همدیگر را راهنمایی می‌کنند و مدل‌های رفتاری همدیگر محسوب می‌شوند. مطالعات صورت گرفته، رابطه معناداری را بین کیفیت روابط دوستانه یک شخص و بهزیستی او نشان می‌دهد. نوجوانانی که ارتباطات کمی با همسالانشان دارند، با احتمال بیشتری دچار مشکلات روان‌شناختی می‌شوند و بیشتر به فکر خودکشی می‌افتند (برمن و مودی، ۲۰۰۴). در همان حال که والدین همچنان بر رفتارها و تصمیمات فرزندانشان تأثیر می‌گذارند، زمانی که نوجوانان با همسالانشان می‌گذرانند، افزایش می‌یابد و به تدریج، همسالان مهم‌ترین گروه مرجع آنها می‌شوند (برگر، ترجمه سعدی‌پور، ۱۳۸۹).

ترکیب تغییرات اجتماعی و گسترش استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات ما را وادار به این بررسی می‌کند که آیا طبیعت نوجوانی تغییر کرده است یا نه. لارسن^۱ و ورما^۲ (۱۹۹۹) در بررسی‌های خود بیان کرده‌اند نوجوانان با دنیایی روبه‌رو هستند که در آن، اشکال روزمره زندگی اجتماعی در حال تغییر است و اثرات مستقیمی بر زندگی آنها می‌گذارد. تعاملات روزمره، پایدار، کوچک مقیاس، از نظر فرهنگی متجانس و در گروه‌های به هم پیوسته کمتر و کمتر می‌شود و تعاملات زودگذر، از نظر فرهنگی نامتجانس و گاهی اوقات بیشتر و بیشتر غیرشخصی می‌شود. دلایل اجتماعی مختلفی برای این فرایند وجود دارد. به دلیل اینکه تعداد فرزندان نسبت به تعداد زنان در بیشتر کشورهای غربی کمتر شده است، خانواده‌ها کوچک‌تر شده‌اند. در کوتاه مدت، بچه‌های کمتر به این معناست که نوجوانان، خواهران و برادران کمتری دارند اما در بلندمدت، تعداد خاله‌ها و عموها نیز کمتر و تعداد پسرخاله‌ها و دخترخاله‌ها، پسرعموها و دخترعموها بسیار کمتر خواهد شد؛ به این ترتیب، فامیل هر چه بیشتر کوچک خواهد شد. زمینه‌های دیگر زندگی بین‌فردی نیز تحت تأثیر این تغییر قرار خواهد گرفت. در مدارس، کار و دوستی‌ها نوجوانان را از بزرگسالان جدا خواهد کرد. نوجوانان تمایل دارند زمان و سال‌های بیشتری را در مدرسه بگذرانند و نسبت به گذشته در فعالیت‌های فوق‌برنامه مشارکت بیشتری داشته باشند. همچنان که خانواده‌ها کوچک‌تر می‌شوند،

1. Larson

2. Verma

نوجوانان بیش از پیش برای دریافت حمایت اجتماعی به همسالانشان مراجعه می‌کنند. این روندها به معنای آن است که روابط با همسالان اهمیت بیشتری در آماده شدن برای گذار از نوجوانی به بزرگسالی پیدا می‌کند. اینترنت دنیای نوجوانان و روابطشان با همسالان را گسترش می‌دهد و راه‌های جدیدی را برای ارتباط با افرادی که بیرون از اجتماع نزدیک آنها هستند، فراتر از موانع فاصله، نژاد، سن و جنسیت، با ظهور برنامه‌های ترجمه رایانه‌ای یا حتی زبانی برایشان می‌گشاید.

یونیس^۱ و اسمولار^۲ (۱۹۹۶) معنای دوستی را در بین نوجوانان به طور وسیع مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند که روابط آنها با همسالان و والدینشان به طور معمول در رقابت با یکدیگر نیست؛ بلکه کارکردهای کاملاً متفاوتی دارد. همسالان در اغلب موارد پذیراتر از والدین هستند و والدین بیشتر نگران آینده نوجوانان و پیامدهای منفی احتمالی رفتارهای فرزندانشان هستند.

میزان بیشتر پذیرش در میان همسالان و تمرکز بیشتر بر زمان حال به نوجوانان کمک می‌کند خودافشگری و اعتماد بیشتری داشته باشند که به طور معمول به عنوان یک ویژگی بنیادی پیوندهای بین نوجوانان محسوب می‌شود. دوستی بین نوجوانان همچنین به عنوان یک مرجع کمک‌کننده تحصیلی به شمار می‌رود. در پژوهشی این نتیجه به دست آمد که نوجوانانی که دوستانشان به مدرسه و تحصیل علاقه‌مند بودند خودشان نیز در مدرسه عملکرد خوبی داشتند و نسبت به کسانی که دوستانشان علاقه کمتری به تحصیل داشتند با مشکلات تحصیلی کمتری روبه‌رو بودند.

استفاده نوجوانان از اینترنت در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است. مطالعات نشان می‌دهد که نوجوانان از این رسانه بیشتر به منظور اهداف اجتماعی استفاده می‌کنند. آنها بعد از مدرسه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، اطلاعاتشان را درباره تکالیف خانه رد و بدل می‌کنند و حمایت اجتماعی به دست می‌آورند. روابط آنلاین بخشی جدانشدنی از فرهنگ و زندگی اجتماعی نوجوانان است (ولاک^۳ و همکاران، ۲۰۰۳). شکل‌گیری روابط و حفظ آنها یکی از جذاب‌ترین جنبه‌های کاربرد اینترنت برای نوجوانان است، زیرا شکل دادن به روابط یکی از ضروریات رشد در دوران نوجوانی است و نوجوانان با فناوری سروکار زیادی دارند.

1. Youniss

2. Smollar

3. Wolak

مطالعات جامعه‌شناختی بر روی دوستی‌های نوجوانان بیش از همه بر فرضیه مجاورت- مشابهت تکیه داشته است. بر اساس این دیدگاه، شباهت خانوادگی در روابط اجتماعی ناشی از ترکیب مجاورت است که فرصت‌هایی را برای در معرض بودن متناوب و دوطرفه فراهم می‌کند؛ موقعیت اجتماعی مشترک نیز کشش‌هایی را بین افرادی که تجارب و پیش‌زمینه اجتماعی مشترک دارند، ایجاد می‌کند. فعالیت‌های روزانه افراد مجموعه‌ای از فرصت‌ها فراهم می‌آورد که آنان را به طور متناوب در ارتباط با هم قرار می‌دهد. به طور معمول، هنگامی که افرادی با موقعیت اجتماعی مشابه یکدیگر را ملاقات می‌کنند، جذابیت اجتماعی و شکل‌گیری روابط رخ می‌دهد زیرا موقعیت اجتماعی یکسان، منجر به اشتراک گذاشتن تجارب زندگی و نیازهای مشابه برای اطلاعات، ارتباطات، فعالیت‌ها و حمایت خواهد شد. مطالعات انجام شده در خصوص دوستی‌های نوجوانان به طور معمول بر داده‌های به دست آمده از نمونه‌های مدارس تکیه دارد و سایر زمینه‌های شکل‌گیری روابط دوستانه را در نظر نمی‌گیرد. این رویکرد، چندین محدودیت مهم دارد. اولاً، پرسش از مخاطب درباره نام بردن از دوستانش در مدرسه تنها پرسش از دوستانی است که در مجاورت آنها و در نتیجه، شبیه آنها هستند. این رویکرد، دوستانی را که در نزدیکی هم نیستند و به یک مدرسه نمی‌روند و نیز کسانی را که به صورت آنلاین ملاقات کرده‌اند، از مطالعه حذف می‌کند. ثانیاً، بحث اصلی فرضیه مجاورت- شباهت این است که کیفیت دوستی بین دوستان مشابه، بالاتر از کیفیت دوستانی است که کمتر شبیه هم هستند. مطالعاتی که بر پایه نمونه‌های مدارس قرار دارند، نمی‌توانند این فرضیه را تأیید کنند زیرا کیفیت دوستی را در زمینه‌های مختلف شکل‌گیری دوستی با هم مقایسه نمی‌کند.

علاوه بر این، مطالعات اخیر نشان داده‌اند که نوجوانان تنها در همسایگی و در مدرسه دوست پیدا نمی‌کنند، بلکه در فضای آنلاین هم تشکیل روابط دوستی می‌دهند. گاهی اوقات دوستی‌های آنلاین برانگیزنده ملاقات‌های چهره به چهره هستند. شواهدی وجود دارد که این روابط می‌توانند صمیمی باشند و حمایت اجتماعی فراهم کنند. اما بیشتر این مطالعات داده‌هایشان را از نمونه‌های کاربران اینترنت به دست آورده‌اند که مانع از مقایسه بین کیفیت روابط آنلاین و چهره به چهره می‌شود.

اینترنت و تنش‌های خانوادگی

پیشرفت فناوری بر نوجوانان و خانواده‌هایشان اثرات زیادی دارد. خانواده‌های نوجوانان باید روابطشان را تعدیل کنند تا بتوانند با نوجوانان در حال بلوغشان همراه شوند. این امر بویژه در عصر ارتباطات، که زمینه‌های جدیدی از تنش را به بار می‌آورد، صحت دارد. تغییر در روابط بین والدین و فرزندان، تحت تأثیر تمایل روزافزون نوجوانان به افزایش حس خودمختاری و فردگرایی قرار می‌گیرد. همچنان که نوجوانان بزرگ‌تر می‌شوند، رضایت کمتری نسبت به تسلط والدین بر زندگی شخصی‌شان پیدا می‌کنند و تمایل دارند آشکارا با آنها مخالفت کنند، این امر ممکن است منجر به تعارض‌های شدیدی بشود (یونیس و اسمولار، ۱۹۹۶). بسیاری از مبادلات ستیزه‌جویانه به دلیل قوانین والدین برای زندگی روزمره نوجوانان است، مانند قوانین ساعت خاموشی، روابط دوستانه و فعالیت‌های شخصی؛ همچون استفاده از اینترنت، تلفن و تلویزیون. در گذشته، نوجوانان در مدرسه و در همسایگی با دوستان‌شان برخورد داشتند یعنی مکان‌هایی که والدین کنترل و تأثیر زیادی دارند. اینترنت عنصر تنش را به این فضا وارد می‌کند، زیرا نوجوانان می‌توانند فراتر از مدرسه و همسایه‌ها در شبکه‌های اجتماعی متنوعی فعالیت کنند و توانایی والدینشان را برای کنترل رفتارهایشان محدود سازند. خانواده‌ها نهادهایی اجتماعی هستند که از طریق سلسله مراتب قدرت شکل می‌گیرند. رایانه می‌تواند این سلسله مراتب را تغییر دهد، زیرا نوجوان که کاربر همیشگی اینترنت است، نسبت به سایر اعضای خانواده در این امر تخصص بیشتری دارد و اعضای خانواده در این زمینه از او راهنمایی می‌خواهند. در مقابل، نوجوانان هم منابع خود را در برابر والدین افزایش می‌دهند و به قدرتشان در خانواده می‌افزایند. علاوه بر این، از آنجا که نوجوانان به دنبال خودمختاری هستند، کنترل والدین بر رفتارهایشان کاهش می‌یابد. مطالعات نشان داده است که گرچه والدین گزارش کرده‌اند بر سایت‌هایی که فرزندان‌شان از آنها بازدید می‌کنند، نظارت دارند، فرزندان به طور معمول اظهار می‌کنند که والدین فعالیت‌های رایانه‌ای آنها را کنترل نمی‌کنند (لیوینگستون و بوویل^۱، ۲۰۰۱).

در دوران نوجوانی انتظارات والدین و فرزندان از همدیگر تغییر می‌کند و شکاف بین این انتظارات گاه منجر به تعارضات خانوادگی می‌شود. فرزندان ممکن است انتظار

1. Bovill

داشته باشند که دوران نوجوانی آزادی بیشتری برایشان به ارمغان بیاورد و والدین ممکن است از نوجوانان بخواهند رفتارهایشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که فعالیت‌های اجتماعی و فراغت‌شان تداخلی با کارهای درسی‌شان نداشته باشد.

والدین می‌دانند که رایانه می‌تواند عملکرد تحصیلی فرزندان را بهبود بخشد. مطالعات نشان داده است که والدین منابع تحصیلی جدیدی را که اینترنت برای فرزندان فراهم آورده است، تحسین می‌کنند، اما نگران پایین آمدن استانداردها (خواندن مقالات کوتاه به جای کتاب) و میزان اعتبار منابع اطلاعاتی آنلاین هستند (سوبراهمانیام^۱ و گرین فیلد^۲، ۲۰۰۸) و فکر می‌کنند که اینترنت ممکن است فرزندان‌شان را از دیگر فعالیت‌ها دور کند. مطالعات صورت گرفته در خصوص تعاملات خانوادگی و مسائل مربوط به رسانه‌ها نشان داده است که والدین از نوجوانان انتظار دارند خود آنان میزان کاربری اینترنت‌شان را تنظیم کنند و تا حد ممکن زمانی را که به فعالیت‌های رایانه‌ای می‌پردازند، کاهش دهند تا مشکلی برای تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی‌شان به وجود نیاید (لیوینگستون و بوویل، ۲۰۰۱). والدین ممکن است استفاده زیاد از اینترنت را نوعی تخطی از قوانین‌شان تفسیر کنند و این ممکن است منشأ تعارضات بین نسلی باشد. بنابراین ما بر این باوریم که نفوذ فناوری‌های جدید می‌تواند فرایند اجتماعی شدن نوجوانان و روابط بین نسلی را تغییر دهد (جدول ۱).

جدول ۱- اثرات بالقوه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر خانواده‌های دارای نوجوان

<p>• متنوع‌سازی شبکه‌های اجتماعی نوجوانان، فراتر از مدرسه و همسایگان و در نتیجه، کم شدن توانایی والدین در کنترل فعالیت‌های آنان</p>
<p>• به چالش کشیده شدن سلسله مراتب در خانواده، به دلیل اینکه نوجوان تبدیل به یک فرد متخصص در خانواده می‌شود و سایر اعضا در مسائل فنی به او تکیه خواهند داشت.</p>
<p>• نظارت والدین بر وب سایت‌ها، خودمختاری نوجوانان را به چالش می‌کشد.</p>
<p>• شکاف میان انتظارات؛ به این صورت که والدین انتظار دارند از رایانه برای بهبود عملکرد تحصیلی استفاده شود و نوجوانان مایل‌اند که این وسیله، زندگی اجتماعی‌شان را بهبود ببخشد.</p>

شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی نظریه‌ای برای مطالعه الگوهای روابط و تعامل در میان کنشگران اجتماعی هستند. در حالی که دیدگاه‌های دیگر بر ویژگی‌های اجتماعی کنشگران، از جمله سن، جنسیت، موقعیت اجتماعی-اقتصادی و شخصیت تمرکز دارند، تمرکز شبکه‌های اجتماعی بر ویژگی‌های تعاملات بین آنها، از جمله طبیعت، محتوا، شدت و فراوانی است. روش‌های شبکه‌های اجتماعی برای مطالعه رفتارهای سازمانی، روابط درون - سازمانی، الگوهای ارجاع، جوامع مجازی و حوزه‌های دیگر است.

دیدگاه شبکه اجتماعی بر مبادله (یا فقدان مبادله) بین دو کنشگر از هر جفت تمرکز دارد. یک رابطه شبکه اجتماعی نوع مبادله یا تعاملی را که در هر جفت از یک سیستم از کنشگران رخ می‌دهد، مشخص می‌کند. هر جفت که به مبادله می‌پردازند، تعاملی دارند پیوند مشترکی دارند که آنها را به هم متصل می‌کند. در یک مجموعه از کنشگران، پیوندها شبکه‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند. چنین شبکه‌هایی آشکار کننده جریان منابع (اطلاعات، جامعه پذیری، ارتباطات، کالاها و غیره) بین کنشگران و چگونگی ارتباط مجموعه کنشگران با هم هستند. تمایز اصلی بین رویکرد شبکه‌ای و سایر رویکردها، تمرکز بر مبادلات و تعاملات بین کنشگران است، نه ویژگی‌های فردی کنشگرانی که درگیر تبادل منابع هستند. تحلیلگران شبکه اجتماعی، به دنبال توصیف شبکه‌های روابط اجتماعی، الگوهای مهم آنها و جریان اطلاعات یا منابع درون آنها هستند تا بدانند چه عواملی ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شبکه‌های اجتماعی چه تأثیری بر افراد، سازمان‌ها و جوامع دارند. تحلیل شبکه اجتماعی با توصیف اینکه چگونه اطلاعات و سایر منابع از طریق پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم جریان می‌یابند، چگونه افراد منابع را به دست می‌آورند و چگونه با سایر اعضای شبکه‌ها در ارتباط هستند، بسیار مفید است.

هر گونه مطالعه درباره شبکه‌های اجتماعی، به دنبال دریافتن چندین ویژگی مهم آنهاست. شبکه‌های اجتماعی از نظر اندازه شبکه، یعنی تعداد کنشگران اجتماعی که شبکه را تشکیل می‌دهند، با هم متفاوت هستند. شبکه‌های اجتماعی بزرگ منابع بیشتری را تأمین می‌کنند، زیرا فرد می‌تواند بر افراد بیشتری برای دسترسی به حمایت اجتماعی تکیه کند. علاوه بر این، شبکه‌های اجتماعی بزرگ‌تر، ناهمگونی بیشتری در

ویژگی‌های اعضا و منابع دارند. تخمین اندازه شبکه به طور معمول دشوار است زیرا نیاز به تعریف مرزهای پیرامون شبکه‌های افراد دارد که می‌تواند به طور پویا، به تناسب زندگی روزمره فرد تغییر کند. مطالعات اخیر بر وجود نوعی محدودیت شناختی درباره اندازه شبکه‌های اجتماعی گواهی داده‌اند. دلیل آن شاید این باشد که تعداد یا حجم نورون‌های قشر مخ، توانایی پردازش اطلاعات را در یک ارگانسیم محدود می‌کند و بنابراین تعداد روابط اجتماعی که یک فرد می‌تواند به طور همزمان بر آنها نظارت کند نیز محدود می‌شود (هیل^۱ و دانبار^۲، ۲۰۰۳).

هیل (۲۰۰۳) از این رویکرد، برای پیش‌بینی این امر که انسان‌ها می‌توانند در گروه‌های ۱۵۰ نفره، عضو باشند، استفاده کرده است. به نظر می‌رسد همین محدودیت در مورد اندازه شبکه‌های اجتماعی آنلاین هم وجود داشته باشد. یافته‌های هیل علاقه پژوهشگران را نسبت به این امر که سایت‌های شبکه‌های اجتماعی ممکن است اندازه گروه‌های اجتماعی انسان‌ها را افزایش دهد، برانگیخته است. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تعداد متوسط دوستان در شبکه فیس‌بوک افراد ۱۲۰ نفر است و زنان دوستان بیشتری نسبت به مردان دارند. اما دامنه تغییرات زیاد است و حتی ممکن است برخی از افراد بیش از ۵۰۰ دوست داشته باشند. تعداد پیوندهای فعال افراد بر روی فهرست یک شخص کمتر است. به طور متوسط، هر مرد تنها به کامنت‌های هفت نفر از کسانی که برایش پیغام گذاشته‌اند، پاسخ می‌دهد. زنان به طور متوسط کمی معاشرتی‌تر هستند و به ده پیغام پاسخ می‌دهند (اکونومیست^۳، ۲۰۰۹). یک مطالعه جدید بر روی نمونه‌ای که شامل ۶۰۰۰ صفحه از مای اسپیس نوجوانان است، نشان می‌دهد به طور متوسط، تعداد پیوندهای یک نوجوان در مای اسپیس ۶۰ نفر است. دختران پیوندهای فهرست شده بیشتری نسبت به پسران دارند و میانه تعداد پیوندهای آنان ۱۰۳ مورد است (فیل^۴ و همکاران، ۲۰۰۹). بر اساس این نتایج، اندازه شبکه‌های آنلاین و آفلاین کمتر از ۱۵۰ تایی هستند که هیل پیشنهاد می‌کند، اما به آن نزدیک است. در مراحل اولیه کاربرد اینترنت به این موضوع توجه شد که استفاده از اینترنت زمان‌بر است، اندازه شبکه‌های اجتماعی آفلاین افراد را کاهش می‌دهد و نوعی اثر جابه‌جایی اجتماعی به

1. Hill 2. Dunbar 3. Economist
4. Pfeil

وجود می‌آورد. در تحلیل شبکه‌های اجتماعی شباهت، مفهومی مهم و ثابت است که ویژگی‌های اعضای شبکه اجتماعی را توصیف می‌کند. این مفهوم بیان می‌دارد که تماس و ارتباط به احتمال زیاد، در بین افراد مشابه هم شکل می‌گیرد. به این معنا که انتظار می‌رود شباهت‌ها باعث ایجاد جذابیت شود: افراد مایل هستند بیشتر با کسانی که ویژگی‌ها، علایق و تجربی شبیه به خودشان دارند، تعامل داشته باشند.

به نظر می‌رسد، شباهت نتیجه ساختاری از فرصت‌های تعامل باشد که از ساختار اجتماعی فعالیت‌ها در جامعه حاصل می‌شود. افراد مشابه تمایل دارند در همسایگی هم زندگی کنند، در یک سازمان شاغل باشند و در فعالیت‌های مشابه شرکت کنند. این حوزه از شباهت می‌تواند به چالش کشیده شود زیرا افراد از فنآوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای حفظ پیوندها استفاده می‌کنند، اما در عین حال، به دنبال روابط جدید، بر اساس علایق و عادات مشترک و در جستجوی حمایت اجتماعی نیز هستند؛ علایق مشترک می‌تواند افرادی را که از نظر زمینه اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند، به هم ارتباط دهد (مش^۱ و تالمود^۲، ۲۰۰۷). یک مفهوم مهم دیگر در مورد اندازه و نوع تبادلات شبکه‌ای، تعدد است. هرچه تعداد تبادلات در یک پیوند بیشتر باشد، تعدد آن بیشتر است. پیوندهای متعدد به یک نوع خاص از تبادل منابع محدود نمی‌شود، اما تبادل انواع مختلفی از حمایت اجتماعی، اطلاعات و مردم‌آزمی را شامل می‌شود. این پیوندها به طور معمول، صمیمانه‌تر، اختیاری، حمایت‌گر و با دوام‌تر از پیوندهای تک‌بعدی هستند و از طریق کانال‌های ارتباطی بیشتری صورت می‌گیرند. شبکه‌های اجتماعی آنلاین آشکارا تعدد کمتری نسبت به شبکه‌های اجتماعی آفلاین دارند. هنگامی که پیوندهای اجتماعی پیرامون یک علاقه یا موضوع خاص شکل می‌گیرند، ارتباطات آنلاین، تخصص را پرورش می‌دهد و این تخصص تنوع منابع مبادله شده را ایجاد می‌کند.

یک موضوع مرتبط، تعدد رسانه‌هاست، مفهومی که به واسطه درک این مطلب که افراد از طریق کانال‌های مختلفی ارتباط برقرار می‌کنند، شکل گرفت. از رویکرد شبکه اجتماعی می‌توان برای بررسی اینکه روابط و پیوندها در کجا خط شبکه‌ها را قطع می‌کنند، استفاده کرد؛ کدام گروه‌ها از طریق رسانه‌های متعدد پیوندهایشان را حفظ

می‌کنند و کدام گروه‌ها تنها با استفاده از یک رسانه با هم ارتباط برقرار می‌کنند. برای مثال، یک اجتماع آنلاین ممکن است جلسه‌ای را از طریق پیام‌نگار یا ایمیل هماهنگ کند و اطلاعات را به صورت آنلاین منتقل کند؛ سپس ملاقات چهره به چهره داشته باشد. افرادی که به یک شبکه اجتماعی تعلق دارند، با استفاده از جلسات حضوری، گفتگو از طریق تلفن یا موبایل، پیامک و ارتباط اینترنتی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. با معرفی فناوری‌های جدید ارتباطی، برقراری ارتباط با آشنایان، همکاران، خانواده و دوستان بدون تردید تنوع زیادی یافته است و این امر مطالعه شبکه‌های اجتماعی را پیچیده و دشوار ساخته است. امروزه مطالعه شبکه‌های اجتماعی در جامعه ما مستلزم این است که از خود سؤال کنیم چه کسانی با هم درباره چه موضوعی و از طریق چه رسانه‌ای صحبت می‌کنند. هرچه افراد به هم نزدیک‌تر باشند، از ابزارهای ارتباطی بیشتری استفاده می‌کنند و این به معنای آن است که مطالعه شبکه‌ها به صورت آنلاین همواره نشان دهنده شبکه واقعی یک شخص نیست.

مرکزیت

مرکزیت^۱ به معنای تعیین هویت (شناسایی) کاربران یا افراد در مرکز یک شبکه است؛ یعنی آن دسته از اعضای شبکه که بیشترین ارتباطات را با دیگران دارند. مفهوم مرکزیت برای بسیاری از کاربری‌های اینترنت که پذیرش و استعمال آنها وابسته به اعضای شبکه است که برای پیوستن به این کاربری ثبت نام می‌کنند، اهمیت دارد. برای مثال، سامانه پیام کوتاه مستلزم این است که افراد شروع به استفاده از این کاربری کنند و از دیگر کسانی هم که با آنان ارتباط مستمر دارند، دعوت کنند به آنها پیوندند. اگر عضوی در مرکز قرار داشته باشد و تصمیم بگیرد از کاربری دیگری به جای این کاربری استفاده کند، احتمال اینکه کل شبکه دیگر از این کاربری استفاده نکنند، بسیار زیاد است. اثر تجمعی موضوع این است که یک کاربری که زمانی بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفته ولی دیگر در بازار وجود ندارد (زیرا اعضایش را از دست داده است)، شبکه افراد را به هم متصل می‌کند، اما به طور معمول، افراد شبکه‌ها را به هم متصل می‌کنند.

1. centrality

تراکم

تراکم^۱ یکی از ابعاد مهم و ساختاری شبکه‌های اجتماعی است که میزان شناخت اعضای شبکه‌های اجتماعی از یکدیگر و این نکته را که تعاملاتشان تا چه اندازه دوسویه است، اندازه‌گیری می‌کند. به طور خاص، این مفهوم نسبت پیوندهای واقعی را به کل پیوندهای ممکن اندازه می‌گیرد. تراکم شبکه با انتقال‌پذیری در روابط اجتماعی افزایش می‌یابد. با دانستن اینکه عضو الف عضو ب را می‌شناسد و عضو ب عضو پ را، اگر احتمال شرطی اینکه عضو الف هم عضو پ را بشناسد (یا برعکس، با فرض تقارن شبکه) بالا باشد، انتقال‌پذیری در این شبکه شایع است. تراکم بالا به طور معمول در گروه‌های به هم پیوسته رخ می‌دهد و احتمال وقوع آن در جوامع کوچک بیشتر است.

قدرت پیوندها

در نهایت، قدرت پیوندها^۲ یک مفهوم حایز اهمیت است. قدرت یک پیوند به طور معمول از طریق ترکیبی از عواملی چون نزدیکی ادراک شده، صمیمیت و اعتماد ارزیابی می‌شود. پیوندهای ضعیف‌تر از طریق روابط عادی‌تر و تبادلات کمتر مشخص می‌شوند؛ این پیوندها روابط کسانی را که از انواع کمتری از حمایت لذت می‌برند، مشخص می‌کند. پیوندهای ضعیف در دریافت اطلاعات کلی، دسترسی به افراد دور و غیر مشابه و به دست آوردن اطلاعاتی که پیوندهای نزدیک شخص آنها را فراهم نمی‌کند، حایز اهمیت هستند. پیوندهای قوی در روابطی که با صمیمیت و اعتماد بالایی همراهند و شامل خود فاش‌سازی بیشتر، فعالیت‌های مشترک، تبادلات عاطفی و ابزاری، و تعامل بلندمدت می‌شوند، وجود دارد (مارسدن^۳ و کمپبل^۴، ۱۹۸۴). با این تعریف می‌توان گفت پیوندهای قوی آنهایی هستند که در بین اعضای خانواده، دوستان نزدیک و همکاران، یعنی افرادی در یک حوزه اجتماعی و از طیف اجتماعی یکسان شکل می‌گیرند. تبادلات در آنها متوالی است و منابعی که مبادله می‌شوند، انواع گوناگونی دارند (عاطفی و ابزاری)، این پیوندها از سطح بالایی از صمیمیت، خود فاش‌سازی و تقابل در تعاملات برخوردارند. افراد با پیوندهای قوی انگیزه زیادی برای به اشتراک گذاشتن منابع خود دارند.

1. density

2. tie strength

3. Marsden

4. Campbell

پیوندهای ضعیف ویژگی عمده ارتباطات آشنایان و دوستان یا اقوام دور هستند. فرض بر این است که این پیوندها بین افرادی شکل می‌گیرد که از نظر اجتماعی متفاوت هستند و به حوزه‌های اجتماعی متفاوتی تعلق دارند؛ تعاملاتشان نیز نامکرر و عموماً ابزاری است. این پیوندها حول یک علاقه یا نیاز مشترک شکل می‌گیرند. یک جنبه جالب توجه از پیوندهای ضعیف این است که چون افرادی که در این پیوندها قرار گرفته‌اند، به حوزه‌های اجتماعی متفاوتی تعلق دارند، می‌توانند به منبعی از اطلاعات تبدیل شوند که برای کنشگر و شبکه اجتماعی نزدیک او شناخته شده نیست (جدول ۲).

جدول ۲- ویژگی‌های ساختاری شبکه‌های اجتماعی

اندازه شبکه	تعداد کنشگران اجتماعی که یک شبکه را تشکیل می‌دهند.
شبهات	درجه شبهات اجتماعی در درون شبکه
تعدد منابع	تنوع منابعی که در درون شبکه مبادله می‌شوند.
تعدد رسانه‌ها	تنوع کمیت رسانه‌ها که برای حفظ پیوندهای اجتماعی در شبکه به کار می‌رود.
مرکزیت	تعیین هویت افراد در مرکز شبکه
تراکم	میزان شناخت اعضای شبکه اجتماعی از همدیگر
قدرت پیوندها	یک پیوند به طور معمول، با ترکیبی از عواملی چون نزدیکی ادراک شده، صمیمیت، استمرار، مشارکت و اعتماد اندازه‌گیری می‌شود.
عمل متقابل	میزانی که ارتباطات یک عضو شبکه با عضو دیگر پاسخ داده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در بیشتر کشورها به کارگیری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) در خانه و محیط کار تبدیل به امری عادی شده است. این فناوری‌ها به عنوان جزئی از زندگی روزمره بسیاری از افراد، نه به صورت یک فعالیت جدید یا غیرعادی، بلکه برای پیشبرد در راه‌های جدید و انجام فعالیت‌های عادی، به کار گرفته می‌شوند. بسیاری از افرادی که به دنبال اخبار، اطلاعات یا شغل هستند، با یکدیگر به صورت آنلاین ارتباط

برقرار می‌کنند و منابع اطلاعاتی، ارتباطی و خدمات اجتماعی‌شان را تنوع می‌بخشند. به نظر می‌رسد که اجتماع این فناوری‌ها در زندگی روزمره، ضرورت عصر اطلاعات باشد، دوره‌ای تاریخی که در آن دانش و اطلاعات با سرعت زیادی تولید و بازتولید می‌شوند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی ابزارهایی برای تسهیل دسترسی به فرصت‌ها، دانش، منابع و سرمایه‌های اجتماعی هستند که دستیابی به آنها در غیر این صورت، کار دشواری خواهد بود. اینترنت شبکه‌ای جهانی است که رایانه‌ها را به هم متصل می‌کند و از طریق دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و اطلاعاتی را در سطح بین‌المللی تحت حمایت قرار می‌دهد. اینترنت با پل زدن بر مرزهای جغرافیایی، اطلاعات را در حجم بسیار وسیع و در زمان کوتاهی انتقال می‌دهد و آنچه را برخی از آن به عنوان جامعه سیال نام برده‌اند، ایجاد می‌کند.

مطالعه اینترنت به عنوان یک فرهنگ، به معنای در نظر گرفتن آن به صورت یک فضای اجتماعی و کشف روش‌های ارتباط، اجتماعی شدن و هویتی است که در این فضای اجتماعی شکل می‌گیرد. در حالی که در نظر گرفتن اینترنت به عنوان ابزار فرهنگی به این معناست که فضای مجازی را غیراصیل، بازتابی از دنیای واقعی و شکل گرفته از طریق شرایط اجتماعی زندگی واقعی بدانیم. در این معنا، کاربران فناوری اطلاعات و ارتباطات چنان در تعاملات مجازی غوطه‌ور هستند که از زندگی اجتماعی و محیط فیزیکی اطراف‌شان و همچنین از مسئولیت‌های دنیای واقعی‌شان فاصله می‌گیرند. کودکان امروزی به طور کامل جذب دنیای مجازی شده‌اند، از زندگی واقعی اجتناب می‌کنند، از روابط اجتماعی و خانوادگی فاصله می‌گیرند و از رفتن به فضاهای عمومی خارج از خانه خودداری می‌کنند.

استفاده نوجوانان از اینترنت در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است. مطالعات نشان می‌دهد که نوجوانان از این رسانه بیشتر به منظور اهداف اجتماعی استفاده می‌کنند. آنها بعد از مدرسه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، اطلاعات‌شان را درباره تکالیف خانه رد و بدل می‌کنند و حمایت اجتماعی به دست می‌آورند. روابط آنلاین بخشی جدانشدنی از فرهنگ و زندگی اجتماعی نوجوانان است.

در دوران نوجوانی انتظارات والدین و فرزندان از همدیگر تغییر می‌کند و شکاف بین این انتظارات گاه منجر به تعارضات خانوادگی می‌شود. فرزندان ممکن است انتظار

داشته باشند که دوران نوجوانی آزادی‌های بیشتری را برایشان به ارمغان بیاورد و والدین ممکن است از نوجوانان بخواهند رفتارهایشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که فعالیت‌های اجتماعی و فراغت‌شان تداخلی با کارهای درسی‌شان نداشته باشد.

شبکه‌های اجتماعی از نظر اندازه شبکه، یعنی تعداد کنشگران اجتماعی که شبکه را تشکیل می‌دهند، با هم متفاوت هستند. شبکه‌های اجتماعی بزرگ منابع بیشتری را تأمین می‌کنند، زیرا فرد می‌تواند بر افراد بیشتری برای دسترسی به حمایت اجتماعی تکیه کند. در شبکه‌های اجتماعی افراد تمایل دارند بیشتر با کسانی که ویژگی‌ها، علایق و تجاربی شبیه به خودشان دارند، تعامل داشته باشند. هرچه تعداد تبادلات در یک پیوند بیشتر باشد، تعدد آن نیز بیشتر است. شبکه‌های اجتماعی آنلاین، آشکارا تعدد کمتری نسبت به شبکه‌های اجتماعی آفلاین دارند. هرچه افراد به هم نزدیک‌تر باشند، از ابزارهای ارتباطی بیشتری استفاده می‌کنند و این بدان معناست که مطالعه شبکه‌ها به صورت آنلاین همواره نشان‌دهنده شبکه واقعی یک شخص نیست. قدرت یک پیوند به طور معمول با ترکیبی از عواملی چون نزدیکی ادراک شده، صمیمیت و اعتماد ارزیابی می‌شود.

پیوندهای قوی آن‌هایی هستند که در بین اعضای خانواده، دوستان نزدیک و همکاران، یعنی افرادی در یک حوزه اجتماعی و از طیف اجتماعی یکسان شکل می‌گیرند. این پیوندها از سطح بالایی از صمیمیت، خود فاش‌سازی و تقابل در تعاملات برخوردارند. افراد با پیوندهای قوی انگیزه زیادی برای به اشتراک گذاشتن منابع خود دارند.

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از عوامل تغییر در جامعه به شمار می‌روند زیرا تولید، انتشار و دسترسی سریع به اطلاعات، شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و تجمع سرمایه اجتماعی را مقدور می‌سازند. کاربرد گسترده این فناوری‌ها برای مقاصد ارتباطی ممکن است به تغییر در ساختار شبکه‌های اجتماعی منجر شود، افراد را در ارتباط با اشخاص غیرمشابه قرار دهد و به این ترتیب، بر محدودیت‌های مجاورت، سن و جنسیت فایق آید. چنین ارتباطی با افراد با علایق یکسان و زمینه اجتماعی متفاوت، منجر به ایجاد تنوع در شبکه اجتماعی می‌شود و دسترسی به منابع، اطلاعات و دانش را تسهیل می‌کند؛ همچنین ابزاری بالقوه برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی خواهد بود.

اینترنت تنها برای برقراری ارتباط با پیوندهای موجود نیست. به طور حتم بسیاری از افراد و سازمان‌ها از اینترنت به عنوان مجرای برای ارتباط با پیوندهای موجودشان

استفاده می‌کنند، اما نوآوری اینترنت در این است که فرصت‌هایی را برای فعالیت‌هایی که تعاملات اجتماعی را سبب می‌شوند، فراهم می‌کند و فضایی به وجود می‌آورد که افراد با پیوندهای اجتماعی جدید روبه‌رو شوند. در اینجا کاربرد اجتماعی چیزی بیش از یک مجرای ارتباطی است و به طور معمول به عنوان فضایی برای فعالیت اجتماعی به آن نگریسته می‌شود. افرادی که به بازی‌های آنلاین اینترنتی می‌پردازند، در واقع کاری بیشتر از آن انجام می‌دهند: در هر بازی، کنشگران تشکیل گروه می‌دهند، تعامل دوسویه است و افراد نام و شماره تلفن‌شان را در اختیار هم قرار می‌دهند. تالارهای گفتگو برای دسترسی به توصیه‌ها، حمایت اجتماعی و جستجو برای اطلاعات شکل می‌گیرند و فرصتی برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌آورند. معرفی کردن افراد به یک شبکه اجتماعی نیز امری معمول است.

یک انگیزه قوی برای شکل دادن به روابط آنلاین، تنوع بخشیدن به شبکه اجتماعی و تشخیص دیگرانی است که علائق، نگرانی‌ها یا مشکلات مشترک دارند اما جزء حوزه اجتماعی آنان محسوب نمی‌شوند. بنابراین شکل‌گیری روابط آنلاین یک نیاز عمومی نیست زیرا همه مردم در این فعالیت مشارکت نمی‌کنند؛ همچنین این روابط نتیجه روابط ناکافی با خانواده یا دوستان هم نیست بلکه تنها برای یافتن افراد دیگری است که علائق مشترک دارند. متنوع سازی پیوندهای اجتماعی و نه نیاز به مصاحبت یا کمبود مهارت‌های اجتماعی، انگیزه شکل‌گیری روابط آنلاین است.

متنوع‌سازی شبکه‌ها ممکن است با سرمایه اجتماعی رابطه داشته باشد؛ در میان تعاریف متعدد پذیرفته شده، سرمایه اجتماعی عموماً به صورت پیوندهای شبکه‌ای، حمایت متقابل، زبان و هنجارهای مشترک، اعتماد اجتماعی، دسترسی گسترده به پیوندهای اجتماعی و حسی از تعهد را موجب می‌شود که فرد با توسل به آن احساس ارزشمندی می‌کند. سرمایه اجتماعی محصول فرعی روابط اجتماعی تلقی می‌شود که به اعضای گروه منفعت می‌رساند. سرمایه اجتماعی با پیامدهای مثبت اجتماعی همچون کاهش نرخ جرم و جنایت، بهبود سلامت، بهبود آموزش و درآمد بیشتر در ارتباط است. سرمایه اجتماعی بر نقش مهم اندازه، ساختار، سازماندهی و اعتماد در شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کند. بر اساس این ویژگی‌ها، شبکه‌ها امکان دسترسی متنوعی به منابع از جمله فرصت‌ها، مهارت‌ها، اطلاعات، حمایت اجتماعی و مردم‌آمیزی فراهم می‌کنند.

در مورد با سرمایه اجتماعی آنچه حایز اهمیت است این است که از شبکه‌ها، هنجارهای عمل متقابل و اعتماد ساخته شده است که افراد را قادر می‌سازد به نحوی مؤثرتر برای رسیدن به اهداف مشترک با هم فعالیت داشته باشند. مفهوم اعتماد به معنای توانایی تکیه کردن بر اشخاص آشنا و همچنین ناآشناست. بنابراین، اعتماد یکی از ویژگی‌های روابط صمیمی است، اما در عین حال، به اعتماد عمومی در بین سایر اعضا نیز اشاره دارد.

عضویت فعال در گروه‌های داوطلبانه در جامعه رو به کاهش است و منجر به کاسته شدن از سرمایه اجتماعی می‌شود. عضویت در اجتماعات و فعالیت‌های داوطلبانه، فرصت‌هایی را برای گرد آمدن، شبکه‌سازی اجتماعی، توسعه شبکه‌ها و هنجارها به وجود می‌آورد که اعتماد را در جامعه عمیق‌تر می‌کند. نفوذ فزاینده تلویزیون در خانه‌ها یکی از عوامل مهم در تبیین کاهش سرمایه اجتماعی است.

نکته پایانی توجه به این امر است که چگونه روابط آنلاین و آفلاین یک فرد، سرمایه اجتماعی را متأثر می‌کند. هرگاه اینترنت را منبعی برای تبادل اطلاعات و روابط بین فردی بدانیم که افراد واقع در یک حوزه اجتماعی را به هم وصل می‌کند، از روابط دوستی و خانوادگی قدیمی که به دلیل فواصل جغرافیایی کمتر فعال هستند، حمایت می‌کند، آشنایی‌های جدید ایجاد می‌کند و بنابراین حوزه اجتماعی را با پل زدن بر گروه‌های اجتماعی مختلف گسترش می‌دهد، این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد. تمرکز مطالعات آینده باید به طور همزمان بر ویژگی‌های اجتماعی و رسانه‌ها باشد تا مشخص شود کدام گروه‌های اجتماعی از پیوندهای آنلاین سود می‌برند و کدام گروه‌ها سودی نمی‌برند و این منافع یا کمبودها چگونه در زندگی اجتماعی خود را نشان می‌دهند.

منابع

- برگر، کاتلین. (۱۳۸۹). روان‌شناسی رشد (ترجمه اسماعیل سعدی‌پور). تهران: دوران.
- Bargh, J.A. (2002). Can You See the Real Me? Activation and Expression of the True Self' on the Internet. *Journal of Social Issues*, 58, pp. 33-48.
- Beraman, P.S. & Moody, J. (2004). Adolescents Suicidability. *American journal of public Health*, 94, pp. 89-95.

- Bimber, B. (2000). Measuring the Gender Gap in the Internet. **Social Science Quarterly**, 81, pp. 868-876.
- Drori, G. (2006). **Global E-Litism: Digital Technology, Social Inequality, and Transnationality**. New York: Worth Publishers.
- Economist**. (2009). Primates on Facebook: Even Online, the Neo Cortex is the Limit. From:
<http://www.economist.com/sciencetechnology/displaystory.cfm?storyid=13176775> (accessed 26 June 2009).
- Hill, R.A. & Dunbar, R.I.M. (2003). Social Network Size in Humans. **Human Nature**, Vol. 14, No.1, pp. 53-72.
- Hine, C. (2005) . Internet Research and the Sociology of Cyber Social Scientific Knowledge. **The Information Society**, Vol. 21, pp. 239-248.
- Larson, R.W. & Verma, S. (1999). How Children and Adolescents Spend Time Across the World: Work, Play, and Developmental Opportunities. **Psychological Bulletin**, 125, pp. 701-736.
- Livingstone, S. & Bovill, M. (2001). **Children and Their Changing Media Environment: A European Comparative Study**. Hove, UK: Lawrence Erlbaum Associates Ltd.
- Livingstone, S. & Helsper, E. (2007). Taking Risks When Communicating on the Internet. **Information, Communication and Society**, Vol. 5, pp. 619-644.
- Marsden, P.V. & Campbell, K.E. (1984). Measuring Tie Strength. **Social Forces**, 63, pp. 482-501.
- Mesch, G.S. & Talmud, I. (2007). Similarity and the Quality of Online and Offline Social Relationships Among Adolescents in Israel. **Journal of Research in Adolescence**, Vol.17, No.2, pp.455-465.
- Neal, J.W. (2007). Why Social Networks Matter: A Structural Approach to

- the Study of Relational Aggression in Middle Childhood and Adolescence. **Child and Youth Care Forum**, 36, pp. 195-211.
- Pfeil, U.; Arjan, R. & Panayiotis, Z. (2009). Differences in Online Social Networking - A Study of Users Profiles and the Social Capital Divide Among Teenagers and Older Users in Myspace. **Computers in Human Behavior**, 25, pp. 643-654.
- Prensky, M. (2001). Digital natives, digital immigrants. **On the Horizon**, Vol. 9, pp. 1-6.
- Sassen, S. (2002). Toward a Sociology of Information Technology. **Current Sociology**, 50, pp. 365-388.
- Subrahmanyam, K. & Greenfield, P. (2008). Online Communication and Adolescent Relationships. **The Future of Children**, Vol. 18, No. 1, pp. 119-146.
- Turkle, S. (1996). **Parallel Lives: Working on Identity in Virtual Spaces**. In D.Grodin and T.R. Lindlof Constructing the Self in a Mediated World: Inquiries in Social Construction. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Van Dijk, J. (2005). **The Deepening Divide: Inequality in the Information Society**. London: Sage.
- Wellman, B. & Gulia, M. (2001). **Computer networks as social networks**. *Science*, 293, 2031-2034.
- Wellman, B.; Salaff, J.; Dimitrova, D.; Garton, L.; Gulia, M. & Haythornthwaite, C. (1996). Computer Networks as Social Networks. **Annual Review of Sociology**, 22, pp. 213-238.
- Wolak, J.; Mitchell, K.J. & Finkelhor, D. (2003). Escaping or Connecting? Characteristics of Youth Who Form Close Online Relationships. **Journal of Adolescence**, 26, pp. 105-119.
- Youniss, J. & Smollar, J. (1996). **Adolescents Interpersonal Relationships in Social Context**. In T. Berndt and G.W. Ladd Peer Relationships in Child Development. New York: Wiley.